

کاملاً علمی را ارائه می‌کند که مبنایی جدید برای نظامی معنوی و بشریتی صلح مدار فراهم می‌آورد که می‌تواند نظامی‌گری مدرنیته را دگرگون سازد.

گرفین الهیات فرامدرن اصلاح طلبانه و سازنده‌ای را مطرح می‌سازد که به مبارزه با فلسفه غیر سازنده‌ای برخاسته است که خود را فرامدرن می‌نامد و به نسبت‌گرایی و پوچ‌انگاری منجر می‌شود.

خلاصه مقدمه مؤلف

با اینکه من امیدوارم این کنکاش مورد توجه متألهین و فیلسوفان دین قرار گیرد ولی ابتداءً برای دو دسته از خوانندگان نوشته شده است: اول مردم برتافته از مدرنیسم که شدیداً به امور دینی و معنوی توجه دارند ولی الهیات سنتی را نا معتبر و الهیات مدرن را نامتناسب می‌دانند، و دوم افراد کاملاً وابسته به مدرنیسم که بعلمت بعضی پیش فرضها مجذوب فرهنگ مدرن شده‌اند و معنویت دینی را همچون الهیات از دست داده‌اند. برای گروه اول، من نوعی الهیات عرضه کرده‌ام که بسیار متفاوت با مکتب‌های دینی سنتی است و همچنین باورها و کاربست‌های بسیار زیادی را در برمی‌گیرد که عموماً توسط متألهین حوزه مدرن نادیده گرفته شده یا منزل گردیده است. برای دسته دوم، جهان‌بینی‌ای عرضه می‌دارم که سازگارتر از جهان‌بینی جدید و اخلاقاً مفیدتر از آن است.

منظور من از الهیات عکس‌العمل عقلی درباره آنچه که ما، مقدس می‌دانیم است، یعنی درباره آنچه که اهمیت نهایی را فقط بخاطر خودش دارد. این توجه به الهیات متأسفانه در دنیای مدرن کمتر بوده است...

God and Religion in the Postmodern World:
in Postmodern theology David Ray Griffin. essays

مؤلف: دیوید ری گ

ناشر: سانی

تاریخ انتشار: ۱۹۸۹

تعداد صفحات: ۱۷۵

محل ناشر: آمریکا؛ نیویورک

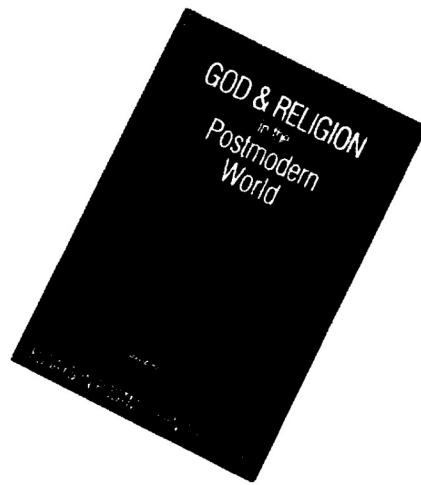
توضیح ناشر درباره مؤلف

دیوید ری گریفین استاد فلسفه دین در مدرسه الهیات در کلارمونت (Claremont) است. او همچنین مدیر اجرایی مرکز بررسی‌های پوچی و رئیس هیئت مؤسس حلقه‌ای برای جهان پسامدرن در سانتا باربارا است.

توضیح ناشر درباره کتاب

خداشناسی طبیعت‌گرایانه که در این کتاب عرضه شده است ناظر به خوانندگانی است که الهیات لیبرال را تهی می‌بینند و یا آنها که معتقدند یک فرد نمی‌تواند در آن واحد هم دیندار و هم کاملاً عقلی و تجربی باشد. گریفین نشان می‌دهد که دیدگاه فرامدرن تجربی‌تر و عقلانی‌تر از دیدگاه اخیر مادی‌گرایی نوین است.

این نظریه بازگشتی به فوق طبیعت‌گرایی دوگانه‌انگار مدرن قلبی نیست. مکانیک‌گرایی و حس‌گرایی دکارت و نیوتون سامانی بر سر راه اتحاد واقعی دین و علم بوده است. فرامدرن‌گرایی معرفی شده توسط گریفین الهیاتی عمیقاً دینی و



باید توانایی گذر از مدافه اجتماعی را داشته باشد. و گذر از مدافه همگانی همان گذر از آزمون‌هایی است که کمابیش آشکارا برای محاسبه میزان پذیرش اجتماعی کاربری دارد: آیا این محاسبه خود سازگار است؟ آیا با تمامی واقعیات شناخته شده تطابق دارد؟ آیا چندین واقعیت شناخته شده را با راهی نو و روشنگرانه بهم پیوسته است؟ و (بطور آرمانی) آیا پیشاپیش واقعیات ناشناخته را روشن می‌کند؟

فهرست مطالب

| | |
|---|-------|
| مقدمه به مجموعه SUNY در اندیشه فرامدرن سازنده ... نه | |
| پیشگفتار | سیزده |
| ۱- مقدمه: الهیات فرامدرن | ۱ |
| ۲- اهمیت انسان بودن: ژرف بینی فرامدرن | ۱۳ |
| ۳- خلاقیت و دین فرامدرن | ۲۹ |
| ۴- خدا در جهان فرامدرن | ۵۱ |
| ۵- تکامل و خداشناسی فرامدرن | ۶۹ |
| ۶- جانمندانگاری فرامدرن و زندگی پس از مرگ | ۸۳ |
| ۷- نظام روحانی در جهانهای قرون وسطی، مدرن و فرامدرن | ۱۰۹ |
| ۸- امپریالیسم، هسته‌ای‌گرایی و الهیات فرامدرن | ۱۲۷ |
| یادداشتها | ۱۴۷ |
| پیوست | ۱۶۷ |

نظر نهایی

کتابی بسیار جالب و جامع درباره اقبال جدید به خدا و دین پس از عصر مدرن است. نویسنده در صدد است تا با نشان

یکی از ابعاد اصلی عصر فرامدرن، نفی رویکرد مدرن درباره اعتقاد دینی است، که با حقیقت آنرا بطور ما تقدم و بیکیاره انکار می‌کند یا معنی‌داری آن را به حوزه شخصی منحصر می‌کند. آگاهی فرامدرن براین اعتقاد است که درونیات‌های دینی حداقل باید همان ارزش شهودهای حسی، ریاضی و منطقی را در بر ساختن یک جهان‌بینی داشته باشد، و ابراز اینکه بعد خاص دینی از جهان‌بینی مابا زندگی عمومی و همگانی بی‌ارتباط است را نامعقول بدانیم. یک دلیل براین ادعا اینست که زندگی اجتماعی و شخصی را نمی‌توان واقعاً از هم مجزاً ساخت.

زیر سوال بردن خصوصی سازی دین در اندیشه مدرن ضرورتاً حاکی از تمایلی برای حکومتی دینی یا صورت دیگری از جامعه دینی نیست. این حرکت بیشتر ماقبل مدرن است تا فرامدرن. عدم رضایت فرامدرن از مدرنیت پرشش مشکلاتی را مطرح می‌کند: آیا امکان دارد بسمت صورتی از الهیات حرکت کنیم که از طریق قابلیت‌های ذاتی‌اش پاسخ کاملاً گسترده‌ای را موجب شود که ارزشهای متضمن در آن بتواند جایگزین ارزشهای جهان‌بینی مدرنی شود که بر خط‌مشی اجتماعی حکمفرمایی می‌کند؟

عبارت «از طریق قابلیت‌های ذاتی‌اش» تعیین کننده است. بر خلاف الهیات ماقبل مدرن، که توسل نهایی‌اش به مرجع مقتدر بود و انواع مختلف گسستگی و نارسایی تجربی را معذور می‌داشت، الهیات فرامدرن ادعاهایش را برحسب ارتباط درونی‌اش، کفایت تجربی‌اش، و قدرت روشنایی بخشش برمی‌سازد. این اصل در اینجا برای ارزیابی کلیه نظامهای الهیاتی بالقوه اجتماعی پیشنهاد می‌شود: یک الهیات همگانی

دادن افراطهای مسیحیت قرون وسطی و ما قبل مدرن که عکس العمل مدرنیّت را در پی داشت، تفریطهای مدرنیّت را در جامعه غربی که منجر به مذهب گریزی و الحاد گردید متذکر شود. و نشان دهد که همین عکس‌العملهای غیرطبیعی و تفریطی چه مشکلاتی را در فقدان دین و خدا در غرب ایجاد کرده و چگونه عطش دورهٔ پسامدرن را به مسائل دینی و الهی دوباره زیاد کرده است. عطشی که ناسازگاریها و ناتوانیها و مشکلات مدرنیّت آنرا بوجود آورده است و با چشمهٔ راه‌حلهای قرون وسطایی و ماقبل مدرن سیرابی نمی‌پذیرد. عطشی که بدنبال بازنگری عمیق و دوباره در مفاهیم سنتی و تجزیه و تحلیل واقع‌گرایانه‌تر و بنیادی‌تر در این مفاهیم در جستجوی کسب حقیقت است. این کتاب گذشته از آنکه بازسازی معقول‌تری را از دین و خدا و جهان پس از مرگ و تواناییهای دین در حل مشکلات جامعه عرضه می‌دارد تحلیل بسیار جالبی از کاستیها، ناسازگاریها و عواقب مخرب مدرنیّت که دین‌گریزی و الحاد رابه ارمغان می‌آورد می‌باشد و همچنین ضعفها و سطحی‌نگری‌های مسیحیت قرون وسطایی را بخوبی مطرح می‌کند. بنظر اینجانب کتاب فوق‌کتابی بسیار جالب جهت استفاده دانش پژوهان ایرانی است تا تحلیل مناسبی از عصر فرامدرن را داشته باشند مخصوصاً که متأسفانه بعضی از متفکرین ما در فضای مدرن زندگی می‌کنند و هنوز باورهای غلط این عصر را حال و هوای فعلی جهان می‌دانند. کتاب حول مسائل عمده انسان و انسانیت، خلقت عالم، دین باوری، مفهوم خدا، مشکل تکامل، زندگی پس از مرگ، معنویت‌گرایی و مسائل اخلاقی در جهان معاصر بحث می‌کند. این کتاب توسط نگارنده این سطور در حال ترجمه است.